

بنیاد خانواده در منظومه‌ی لیلی و مجnoon نظامی گنجوی

دکتر حشمت ... آذرمکان^۱

دکتر فرامرز خجسته^۲

فریبا آراسته^۳

چکیده:

با ورود جبری تجدد و فروپاشی خانواده‌های گستردۀ پدر سالار پیشین و گذار و تقلیل این سازه ی اجتماعی به واحدهای هسته‌ای و کوچک، بی آن که زمینه‌های ذهنی و عینی آن تولید و شکل گرفته باشد، بیم آن می‌رودکه؛ این مهم ترین نهاد اجتماعی در روزگار ما نتواند کارکردهای به هنجار اسلامی و اجتماعی خود را به درستی انجام دهد از این رو، گفتگو از خانواده و جایگاه و کنش‌های بی‌شمار آن بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در منظومه‌ی لیلی و مجnoon نظامی، نمودهایی از خانواده و کنش‌های آن را می‌توان دید که قابل بررسی و تحلیل است. خانواده در لیلی و مجnoon، خانواده‌ای مردسالار، گستردۀ، تک همسر و به دور از نقش همه‌ی اعضاء است.

این پژوهش بآن سر است تا با بهره‌گیری روش‌مندانه از تکنیک تحلیل محتوا و توصیف بن‌ماهیه‌های این گنجینه و از طریق مطالعه بینامتنی به درون این منظومه رخنه نموده تابعه، جلوه‌ها و ساحت‌های گوناگون خانواده در آن را نشان دهد.

واژگان کلیدی: خانواده، نظامی گنجوی، لیلی و مجnoon.

مقدمه:

کوچک شدن جهان، گسترش فضاهای مجازی، توسعه ارتباطات و فناوری و پی‌آمدۀای دیگر جهان نوین، همه چیز را خواه ناخواه تحت تأثیر قرار داده است و خانواده نیز به عنوان نمادی مقدس، بدون تردیع از این تغییرات پذیرفته و دست خوش تحولات و چالش‌های اجتناب ناپذیری شده است؛ از این رو تحقیق و تفحص در این مهتم‌ترین نهاد اجتماعی، بیش از پیش ضروری است. درک و شناخت هر گونه پدیده‌ی اجتماعی نوین، در گرو شناخت پیش‌نیه و گذشته‌ی آن است تا روند تکاملی آن، به شکلی روشن‌تر معلوم گردد.

یکی از راه‌های این گونه بررسی‌ها، مطالعه در لایه‌لای گنجینه‌های ادبی در خلال روزگاران است و یکی از گنج بخش‌های عرصه‌ی ادب، نیز نظامی است و چون تاکنون بنیاد خانواده در لیلی و مجnoon آن هم به صورت مستقل مورد کاوش قرار نگرفته است، با نگارش این مقاله می‌توان پرتویی بر این منظومه و گفتمان عصر نظامی انداخت تا تعریفی روشن‌تر و انسانی‌تر از نقش و جایگاه خانواده و تطور آن تا اینجا و در جامعه‌ی کنونی ارائه گردد.

1- استادیار دانشگاه زبان و ادبیات فارسی هرمزگان

hazarmakan@gmail.com

2- استادیار دانشگاه زبان و ادبیات فارسی هرمزگان

Faramarz.khogasteh@gmail.com

Arasteh_fariba@yahoo.com

3- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

فرضیات این مقاله این است که؛ اولاً فضای عاطفی، روحیات، عشق و به طور کلی عالم معنا در ناخودآگاه شخصیت‌های قصه متناسب با گوئاگونی زمینه‌های قومی و فرهنگی آنها است. دوم اینکه رفتار نقش آفرینان در این منظومه با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت که پس زمینه این منظومه است هماهنگی و تناسب مشهودی دارد. بر مبنای همین فرضیات، سوالاتی نیز مطرح می‌گردد از جمله این که: خانواده و روابط ناشی از آن چه صورت‌ها و جایگاهی در لیلی و مجنون و در نوع نگاه او دارد؟ مؤلفه‌های اصلی این منظومه در ارتباط با کارکردها و پایه و اساس خانواده کدام است؟ برای ره یافت به این اهداف و پاسخ به این پرسش‌ها و اثبات فرضیه‌ها در این مقاله از تکنیک پژوهشی تحلیل محتوا سود برده شده است.

ابتدا ببع مفاهیم اساسی و بنیادین خانواده و نظریه پردازی در این خصوص پرداخته خواهد شد ، سپس نظامی و یکی از شاهکارهای جاودانه او یعنی لیلی و مجنون مورد سنجش قرار می‌گیرد و در بخش اصلی به تحلیل دیدگاهها و نقطه نظرها و جلوه‌های خانواده در لیلی و مجنون خواهیم پرداخت.

1- مبانی نظری خانواده:

یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال مهم ترین مباحث علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی خانواده است. درباره این بنیادی توین هسته‌ی اجتماعی، بحث‌های زیادی شده است. یکی از جالب‌ترین این گفتگوها مقوله‌های فلسفی است و بنیاد آن بر این پایه است که آیا خانواده عینیت یا وجود خارجی دارد یا سازه‌ای ذهنی است؟ از جمله این صاحب نظران "جان برناردنز" است؛ وی در اثر خود به نام "درآمدی به مطالعه‌ی خانواده" در بحثی که با عنوان "معنی خانواده" باز می‌کند سعی نموده این موضوع را آشکار نماید : بیشتر نظریه‌پردازان عیوب خانواده را پذیرفته و قبول کرده‌اند با این حال برخی از آن‌ها در آمریکا و انگلستان این پرسش را طرح نموده اند که آیا خانواده ما به ازاء خارجی هم دارد؟ (برناردنز 1388: 9)

اما در اینکه این پدیده اجتماعی در خارج از ذهن وجود دارد، هیچ گونه شک و شبهه‌ای نیست. وجود هر یک از ما که زاده و پرورده‌ی درون خانواده‌های خود هستیم، نشان از آن دارد که خانواده وجود دارد. خانواده نیز مانند هر پدیده‌ی دیگر اجتماعی، همپا و همراه خود بشر دچار تحول و تغییرات اساسی و بنیادینی گشته است؛ صاحب نظران برای خانواده دوران گذار متعددی قائل هستند. فردیک انگلیس در منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت . آراء مورگان و باکوفن از مردم شناسان و از اولین دانشمندانی که در این مورد به تحقیق پرداخته است را چنین جمع بندی نموده است.

به نظر مورگان خانواده از چند مرحله گذر نموده که عبارتند از :

1- دوران توحش شامل دوره‌های :

الف) کودکی نژاد انسانی ب) مرحله‌ی میانی

1-2- دوران بربریت شامل :

الف) مرحله‌ی پایینی که با کشف آتش و سفال گری شروع شده است.

ب) مرحله‌ی بالایی که با ذوب فلز و پیدایش خط آغاز می‌شود (انگلیس، 1386: 31-36).

اساس خانواده ، بر پایه‌ی ازدواج و سامان گرفتن روابط جنسی و تولید مثل است . بر این پایه می‌توان ، انواع خانواده را از زمان پیدایش انسان به ترتیب تقسیم بندی کرد.

2- انواع خانواده

الف) خانواده همخون؛ این نوع، نخستین مرحله تشکیل خانواده است. در این جا، گروههای خانواده بر پایه‌ی نسل، رده بندی می‌شوند که همه مردان و زنان همسران یکدیگرند.

ب) خانواده پانالوایی؛ این نوع پیشرفتی از خانواده همخون بوده و در آن ازدواج میان برادر و خواهر ممنوع بود است.

پ) خانواده یارگیری؛ در این نوع زن و مرد همسران متعدد داشته‌اند اما یک مرد و یک زن شوهر و زوجه اصلی هم دیگر بوده‌اند.

ت) خانواده تک همسری؛ این نوع خانواده بر سروری مرد استوار است که پس از خانواده یا رگیری شکل گرفته و یکی از نشانه‌های آغاز عصر تمدن است.

برخی از نظریه‌پردازان، تقسیم بندی خانواده را بر حسب موقعیت‌های اقتصادی و مادی و طبقاتی تقسیم بندی کرده‌اند و مکان و موقعیت شغلی آن‌ها را ملاک تقسیم بندی خود قرار داده‌اند و برخی نیز مانند سگ الین نحوه‌ی پژوهش و تربیت و رفتار بین والدین و وظایف و دستورالعمل‌های زیستی بین آن‌ها را باعث تمیز و تنوع خانواده دانسته‌اند (سگالین 1388:200).

جامعه‌شناسان معاصر به پیروی از آرای مورداک و دیویدچیل آن‌گونه که سارو خانی در کتاب جامعه‌شناسی خانواده آن را جمع بندی نموده خانواده را به خانواده‌ی هسته‌ای، خانواده‌ی زن، شوهری، خانواده‌ی زیستی، خانواده‌ی مرکب و خانواده‌ی گسترش‌نموده‌اند (سارو خانی، 1388:161).

3- نظامی گنجوی

مادر که سپندیار زادم	بدرع سپندیار زادم
در خ-ط نظامی از نهی گام	بینی عدد هزار و یک نام
و الیاس کالف بری زلا مش	هم با نود و نه است نامش

(نظامی، 411:21-23)

این سه بیت، خود گویی‌های نظامی است که در آغاز لیلی و مجنون، آن را سروده است و الیاس نظامی گنجوی فرزند یوسف از بزرگان و مفاخر ادب پارسی است؛ تولد وی آن‌گونه که محمد معین از ریپکا و بیتلس نقل کرده است در سال 535 هجری (1140-1141 میلادی) دانسته‌اند.

«در این که نظامی با سه زبان کردی، ترکی، فارسی و حتی چهارمین زبان علمی و تحصیلی خود "عربی" آشنایی کامل داشته است، تردیدی نیست و لیکن در این که خود وی نیز دو رگه و به اصطلاح اکدش بوده است، بحثی است». (تروتیان، 1386:89)

او شاعری متفکر بوده که خود، پی‌جوى خانه و خانواده بوده است. چنان‌که سه بار ازدواج می‌کند هر چند که چند همسری در روزگار او یعنی قرن ششم، امری طبیعی بوده است اما او معتقد به تک همسری بوده و پس از فوت هر کدام از همسران به ازدواج مجدد تن داده است.

نخستین همسر او، آلقق نام داشته که کنیزی قیچاقی بوده و فخر الدین بهرام شاه امیر دربند، به او اهدا کرده بود. پس از فوت آفاق آن چنان که در اقبال نامه آمده:

مرا طالعی طرفه هست از سخن که چون نو کنم داستان کهن

در این عید کان شکرافشان کنم
عروسوی شکر خنده قربان کنم
چو حلوای شیرین همه ساختم
ز حلوا گری خانه پرداختم
(نظامی، 520: 24-21)

حاصل این ازدواج‌ها، یک فرزند به نام محمد است. وی در سال 616 هجری در گنجه در گذشت.

3-1- جهان بینی نظامی :

نظامی، در قرن ششم هجری، هم زمان با حاکمیت سلجوقیان بر این سرزمین (ایران) می‌زیسته است. سلجوقیان چند دهه پس از آن که بویهیان شیعی مذهب با اقدار سیاسی و نظامی خود خلافای عباسی را در بغداد تحت سلطه‌ی خود در آوردند، در صحنه‌ی جهان اسلام (ایران) ظاهر شدند (بازورث، 1380: 69). بنابراین یکی از تأثیرات مضاعف رهبری سیاسی امپراطوری سلجوقیان، استقرار و استحکام اقتدار تسنن به عنوان مذهب رسمی و برتر بر سرزمینهای مرکزی جهان اسلام بود. (همان: 71)

بنابراین، پایه و اساس تفکر نظامی را باید در فلسفه آموزه‌های اسلامی و فرقانی جست و جو کرد این نگرش، آفرینش انسان پس از اولین مخلوق یعنی آدم را از طریق نطفه می‌داند و برای هر آفریده‌ای جفتی قابل است و برای جفت یابی یا ازدواج نیز قوانین و شرایطی را وضع می‌کند که مهم‌ترین آن، سنتیت در ایمان و احصار است. بنابر همین باور است که نظامی بنیان خانواده را بر ازدواج شرعی قرار می‌دهد.

جهان بینی نظامی، فلسفه‌ای است که با ترک دنیا و دنیا گریزی که ماهیتی صوفیانه دارد در تضاد است . او اندیشمندی است که زندگی و جهان مادی را با همه زیبایی‌هایی هایش درک کرده و دوست دارد . وی می‌خواهد که انسان‌ها همه غنی و بی‌غم و اندوه باشند و مخالف هر گونه بی‌اعتنایی به جهان و زندگی این جهانی است و بهره‌وری از نعمت‌های خداوند را لازم می‌شمارد . بعنوان یک شیاعر انسان دوست و ظلم سنتیز مردم را به مبلزه علیه ظالم و ستمگر فرا می‌خواند. سروden ابیاتی علیه زر و زور در روزگاری که پادشاه سایه‌ی خدا است سخت جسارت آمیز می‌نماید و تنها شانه‌ی حس مسئولیت و ظلم سنتیز این حکیم فرزانه است (براتی، 1389: 30).

عدم توزیع عادلانه ثروت و قدرت، فاصله انداختن زشتی و زیبایی و عزت و خواری در بین انسان‌ها، بهره‌مندی نادانان و محرومیت عقلا، جوان مرگی و عمر بیهوده برای پرسالان و اینکه قدرت به هر عنوانی که باشد جزئیت خود را توجیه می‌کند (زرین کوب، 1386: 27). همه و همه از جمله دغدغه‌های فکری نظامی است و از درون آن‌ها به جهان پیرامون خود می‌نگرد.

3-2- مروری بر آثار او

نظامی در عمرنسبتاً طولانی خود آثار گرانباری را بر جای نهاده است که می‌توان آن‌ها را از میراث‌های بزرگ فرهنگی جهان به شمار آورد. مخزن الاسرار، مثنوی خسرو و شیرین، هفت‌پیکر، اقبال نامه و مثنوی لیلی و مجنون که محور مباحث این مقاله است، از جمله آثار او هستند : او در این آثار در استواری و جزالت سبک، خلق تعبیر، استواری کلام تصویرگری و خیال آفرینی، توانایی و هنرمندی در کاربرد اقسام ترفندهای ادبی و بکارگیری اصطلاحات علوم و متون گوناگون و اصول و موازین شریعت اسلامی در مقامی رفیع و پایگاهی منیع قرار داده است . «سبک شعر او و معاصرانش را در سرزمین آذربایجان چیزی بین این و میان دو سبک عراقی و خراسانی دانسته - اند.»(احمدنژاد، 1375: 16)

اما چون در این مقاله نمی توان به بررسی تمامی آثار او پرداخت ، صرفاً به معرفی مختصر مثنوی لیلی و مجنون بستنده می گردد :

لیلی و مجنون اثری داستانی است . این روایت در اصل به زبان عربی بوده که ملک اخستان پسر منوچهر از شاهان ایرانی شروان ، از نظامی گنجوی می خواهد که آن را به زبان فارسی قرن ششم که با لغات و ترکیبات عربی آمیخته بوده سپراید و نظامی نیز با بیان زیبای خود این کار را انجام داده و به آن وسعت و زیبایی خاصی بخشیده است .
لیلی و مجنون در سال 584 هجری بر وزن مسدس اخرب مقویض محذوف (مفهول، مفاعلن، مفعولن) یا مقصود (مفهول ، مفاعلن ، مقلعیل) سروده شده است (ثروتیان 1382:167).

4- جلوه‌های خانواده در لیلی و مجنون

اساس اندیشه و نگاه نظامی به خانواده ، چنان که اشاره شد ، تعالیم قرآنی و فلسفه اسلامی و جهانیتی زاهدانه است و بر اساس یکی از آیه‌های قرآن یعنی سوره نساء است که به تعبیر برخی قمی و مکتب مردان را بر زنان بیان کرده است . در این آیه درباره ارتباط عناصر اولیه تشکیل دهنده ای خانواده یعنی زن و مرد به دفعات بحث شده است و دستور العمل‌های حقوقی و رفتاری و کششی بین آن دو را آورده است . بدیهی است که گفتمان رایج عصر نظامی نیز این دیدگاه را مورد قبول و پذیرش قرار داده است .

در آن جهان مرد سالار ، نظامی با زیر بنای فکری خود که آزادی و آزاد اندیشه ای است او معتقد است که باید با تمام وجود اعتقادی راستین داشت و در آن تمام هستی خود را رهین کرد او به نیکی ها و پرهیز از زشتی پاییند است .
شیوه‌ی او در شاعری نیز متفاوت و ارزش مند است . وی بسیار عزلت گزین است و این خصیصه وی را باریک اندیش و باریک‌نگر کرده است و با این دیدگاه است که منظومه‌ی لیلی و مجنون را آفریده است .

3- خلاصه‌ای از روایت لیلی و مجنون

در سرزمین عرب مردی است که طایفه‌ی بنی عامر تحت ریاست او قرار دارد . چون فرزندی ندارد ، از خداوند فرزندی طلب می‌کنه . پس از نذر و نیاز بسیار ، خداوند به او پسری عطا می‌کنه . وی را قیس نام می‌نهند . پدر در ده سالگی پسر را به مکتب می‌سلپود ، در مکتب دختری زیبارو به نام لیلی قلب مجنون را می‌رباید . قیس عشق او را در سیه جای می‌دهد ، لیلی نیز بدو دل می‌سلپود . عشق آنها رفته عمیق تر می‌شود و قصه دلدادگی بر ملا گشته و سرزنش‌های مردم را به دنبال داشت ! اولین مجازات محرومیت لیلی معصوم و دلداده از مکتب است . مجنون از فراق روی معشوقه به شب زنده داری و بیابانگردی مبتلا می‌گردد و شبانگاه ان آوازه‌خوان به سوی کوی ج لanan شتافقا و قبیله و دیار را به آشوب می‌کشد . پدر مجنون با دیدن روزگار فرزند با مشورت با بزرگان قوم ، به خواستگاری لیلی می‌رود اما پدر لیلی با ازدواج آنها مخالفت می‌کند .

لیلی نیز روزگار خوش و آرامی ندارد به بوستان می‌رود و راز عشق خویش را با گلها در میان می‌گذارد فردی راز لیلی را می‌شنود به مادرش خبر می‌دهد اما مادر ، راه چاره را در آن منع آمد و شد دخترک می‌بیند ! ابن سلام که در راه بوستان لیلی را دیده است به خواستگاری لیلی می‌آمیزد پدر دختر را به عقد ازدواج وی در می‌آورد . دختر در خانه ابن سلام به یاد مجنون می‌نالد و می‌گریزد . ابن سلام که از عشق همسر خود نسبت به مجنون آگاه می‌شود برای از دست ندادن لیلی سوگند یاد می‌کند که به نگاهی اکتفا کند . اما طولی نفی کشد که ابن سلام از شدت غم و رنج جان می‌سپارد . رسم عرب بر این بوده است که زن پس از مرگ شوهر همسری انتخاب نکند ، دو سالی از خانه بیرون نرود و با کسی ملاقات نکند و در این ایام ناله برای سوگ از دست رفته سر دهد . وی به تبعیت از همین سنت می-

نشنید اما سوگوار بودن بهانه‌ی خوبی است که بی‌محابا در فراق مجنون ناله سر دهد موی کند و سر و صورت بخراشد و نوحه‌گری کند.

بالاخره تن لیلی رنجور و بیمار می‌گردد در این لحظات است که راز عشق خود به مجنون را بر مادر می‌گشاید و جان به جان آفرین تسلیم می‌کند . مجنون پس از آگاهی از مرگ لیلی بر مزار معشوق آمد ه «آن سوخته دل نیز سرشکنی چون خون فرو می‌ریند و زبان آتش آلود می‌گشاید و می‌گویند و می‌گرین و با سوگند به خدا از او خواهد که به حضور یار پیوند د و در آن لحظه که خاک عزیز در برگرفته ای دوست گفت و جان می‌دهد.» (ر.ک. ثروت ، 1370: 48-32)

4- نظر نظامی در مورد اعضاء و روابط خانوادگی و خویشاوندان

نظامی در ابتدای کتاب لیلی و مجنون پس از ستایش خدا و نعت پیامبر اکرم از پدرش یاد کرده است و گفته : اگر پدرش همچون اجداد و گذشتگان خود، به سوی مرگ شتافتند و این جهان را ترک گفتند . چاره‌ای نیست با روزگار نمی‌توان جنگید . و راه چاره فراموشی پیشه کردن است.

با دور به داوری چه کوشم دور است نه جور چون خروشم

(نظامی، 414: 18)

چون در پدران رفته دیدم عرق پدری ز دل برباردم

(همان : 20)

اما سوز و فغانی که در مرگ مادر دارد. بیش از مرگ پدر است در غم مادر می‌گوید : غم از اندازه است و عمق غرقابه به گرداب از قامت بلند ما بیشتر است.

به نظر می‌رسد ، به راحتی مرگ پدر را می‌تواند فراموش کند و چاره کار را در پناه بردن به می‌معنوی که بپواز به آسمان‌ها و معراج را در پی دارد ، می‌داند.

گرم‌ما در من رئیسه کبرد مادر صفتانه پیش من مرد

از لابه‌گری که را کشم یاد تا پیش من آردش به فریاد

غم بیشتر از قیاس خوردست گردابه فرون ز قدم‌مردادست

(همان، 415: 2-4)

او محمد را عامل سرایش اثر خود می‌داند که نمودار رابطه‌ی عاطفی بسیار شدیدی است که به میان پدر و فرزند است . در حقیقت فرزندان ، نیازهای متعددی از جمله خودنمایی ، عزت نفس ، کنجکاوی و حمایت دارند نیازهایی منطقی که یک پدر وظیفه شناس باید نسبت برآوردن آنها در حدی متعادل و منطقی اقدام نماید.

نظامی نیز چون پدری وظیفه شناس و مهریان از خواسته‌ی فرزند خود چشم پوشی نمی‌کند و داستان لیلی و مجنون را به نظم در می‌آورد تا وی را خشنود نماید و از احساس غرور و سرافرازی فرزند لذت ببرد . این روابط صمیمانه و احترام آمیز پدر و فرزند قابل تقدیر و ستایش است.

پس از اتمام لیلی و مجنون ، نظامی آنرا توسط فرزندش ، محمد نزد فرزند شروانشاه می‌فرستد و از شاه می- خواهد تا از محمد دلچویی کند .

در مورد سایر خویشاوندان و اعضای خانواده نظامی ، اطلاع دقیقی در دست نیست و تنها وی در اوایل کتاب لیلی و مجنون ، با درد و غم از دایی خود یاد می کند و به خاطر علاقه و عواطف زیادی که نسبت به وی دارد ، صبر پیشہ کرده ناله و فریاد سر نمی دهد.

خالی شدنش و بال من بود	گر خواجه عمر که خال من بود
در نای گلوشکست ناله ام	از تلخ گواری نوالمه ام
کافغان کنم او شود گلوگیر	می توسم از این کس بود زنجیر

(همان : 9-11)

علاقة به برخی از اعضای درجه دو در خانواده ، بیانگر زندگی گسترده در آن دوره بوده است و نشان می دهد که ارتباط فامیلی بسیار نزدیکتر و تنگاتنگتر از حال بوده است.

پایبندی به اصل خانواده از موضوع هایی است که در لا به لای داستان می توان باز جُست روابط عاطفی قیس بن عامری مجنون و لیلی در واقع گزینش همسری با ایده و نیاز و خواست خود است که خلاف عرف و سنت است. پا بر جایی دوسوی عشق ، با وجود اینکه فرصت هایی هم برای وصال بدست می آورند ، عشق آنان را ابدی می گرداند. هر چند لیلی به دلیل قدرت و سلطه مرد در خانواده مجبور است ، به دستورات و اوامر پدرش تن دهد و به ازدواج فرد دیگری به نام عبدالسلام درآید . اختلاف قبیله ای بین قبیله مجنون و قبیله لیلی ، اجازه ازدواج آنها را به هم نمی دهد.

4- رابطه پدر- فرزندی

در جای دیگری که روابط پدر فرزندی آشکار می گردد ، رفتار پدر مجنون فرزند است . قیس در زنجیر عشق گرفتار است ، از عشق لیلی به خرابه ای پناه می برد و جز ناله و زاری همدمنی ندارد . پس از آگاهی پدر از حال وی، به سوی فرزند می شتابد و چون فرزند را پریشان و آشفته می بیند شروع به پند و نصیحت وی نموده پند و اندرزی که بوع حقارت و خرافات موهم از آن به مشام می رسد ناگهان ، از خشم عمماهاش را بر زمین افکند که این رفتار نوعی ذلت پذیری و یأس از سر ناچاری به نظر می رسد که رفتار مطلوبی نیست.

آهی بند و عمامه بفکند	چون دید پدر به حال فرزند
روزش چو شربی شد از سیاهی	نهالی د چو مرغ صبحگاهی
چون دفعتر گل ورق دریده	گفت ای ورق ش کنچ دیده
نفرید که کرد گوشم الملت	چشم که رسید در جمالت
سختیش رسد نه این چنین سخت	شوریده بود نه چون تو بدبخت

(همان: 17-10)

بعضی از رفتارهای غیر متناسب و آشفته در مجنون مشاهده می گردد که حاکی از نبود اعتماد به نفس کافی در وی است و ریشه در رفتارها و روابط نادرست و غیر اصولی خانواده دارد مانند:

تبعیض ، به رخ کشیدن نقاط ضعف و عیوب ، مقایسه فرزندان با دیگران ، سرزنش های افراطی ، هراقت شدید و بی رویه از فرزند ناز پرورده ای خود که مجنون را به خود پنداهه ای ضعیف و امی دارد به طوری که در بحران عشق نمی تواند به دلیل ضعف شخصیتی مشکلش فایق آید و به نتیجه ای دلخواه برسد و میل به انزوا را در وی شعله ور گشته به طوری که سر به کوه و بیابان می گذارد و با حیوانات مأнос می شود !

پدر مجذون ، پس از پرس و جو از اهل خانه و آگاه شدن بر عشق فرزند به دختری از قبیله ای دیگر اندوهگین شده و تنها راه چاره را در این می بیند که دختر را خواستگاری نموده و به عقد فرزندش در آورد پدر با افراد قبیله که نقش خویشاوندان نزدیک چون برادر یا عمو را ایفا می کنند ، به سوی قبیله لیلی به راه می افتد و به سوی منزل لیلی می روند پدر خود را مهم ترین فرد طایفه معرفی می کند و از جاه و مقام و تمکن خویش سخن به میان می آورد، نکته ای که امروزه نیز در مراسم خواستگاری اهمیت ویژه ای دارد.

پدر لیلی از این وصلت ناراضی است و علت های اصلی ننا خرسندي خویش را بیان می کند اول ، عدم سلامت روحی مجذون و دوم ، ملامت و سرزنش افراد قبیله.

در گذشته اعراب به صورت قبیله ای اداره می شده و خانواده گسیرده بوده است . صمیمیت و دوستی ها زیادتر از خانواده هسته ای کنونی بود ، اما همین امر موجب دخالت افراد قبیله در تصمیمات مهم زندگی در نتیجه تعیین سرنوشت برای جوانان گردیده است . هنوز هم در پاره ای از نقاط به همین شکل تصمیم گیری صورت می گیرد . در جامعه‌ی «مرد سالاری» قدرت در دست مرد است. مرد تصمیم گیرنده مطلق اقتصاد خانواده است. تصمیمات اصلی از جمله ازدواج و تعیین سرنوشت به عهده ی اوست سیمای پدر در جامعه مرد سالاری بسی هولناک و رعب آور است و نه تنها زن را از میدان به در می کند بلکه فرزندان را منکوب کرده و حق تنبیه و طرد آنان را دارد !

می توان گفت : این نوع از روابط خانوادگی در قرن ششم نیز رایج بوده به همین دلیل نظامی این نوع خانواده را در قالب اشعاری به نظم می کشد و انتقادات خویش را به گونه ای زیر کانه در اشعارش نشان می دهد .

لیلی نیز پرورش یافته ای جامعه مرد سالار است . جامعه ای غرق در تعصبات موهوم . بنا به گفته ای سیرجانی در این سرزمین وای به حال دختر و پسر جوانی که با نگاه، علاقه ای رد و بدل کنند که کودکان هم درس با همه کم سالی و کم تجربگی ، نگاهی همراه با م عصومیت را از مقوله ی گناهان کبیره می شمارند و کف زنان و ترانه خوانان به رسواگری می پردازند و کودک معصوم را از تحصیل علم و انتخاب همسر باز می دارند (سیرجانی 1388:11). در این جامعه حق ازدواج که از مشروع ترین حق طبیعی هر انسان است به عهده ی پدر و افراد قبیله است دختر حتی جرأت اظهار عقیده ندارد!

۴-۲- نقش مادر در منظومه‌ی لیلی و مجذون

نظامی در چند جای منظومه ، از مادر لیلی سخن به میان می آورد که بیشتر نقش شنونده‌ی کم قدرت و ضعیفی را ایفا می کند می شود تنها به او لقب سنگ صبور داد .

مادر چ-وز دور در پسر دیده الماس شکسته در جگر دید

(نظمی، 516:14)

و در جایی دیگر آگاه شدن مجذون ، از مرگ مادر وی را سخت متأثر می سازد که نمود از نقش عاطفی مادر در صحنه‌ی خانواده است .

مجذون ز رح-یل مادر خویش زد دست دریغ بر سر خویش

(همان، 519:3)

و در جایی دیگر هنگامی است که داننده ی راز ، سر عشق لیلی را نزد مادر فاش می کند و مادر لیلی با شنیدن حکایت فرزند آشفته و حیران گشته و با خود می گوید ، اگر او را به حال خود بگذاریم بیم آن دارم که مانند آن دیوانه‌ی غریب ، مست و از خود بی خود شود و اگر هم از او صبر و برداشی بخواهیم توانش را ندارد.

مادر ز پی عروس ناکام سر گشته شده چو مرغ در دام
می گفت گرش گذارم از دست آن شیفته گشت و این شود مست
(همان، 450: 9-10)

و یا هنگامی که مرگ لیلی فرا می رسد از عشق خویش نسبت به مجنون در مقابل مادر اعتراف می کند.
چون راز نهفته بر زبان راند جانان طلبید و زود جان داد

(همان، 555: 17)
نقش کمنگ زن در منظومه لیلی و مجنون متأثر از جامعه مرد سالار حتی صدای شخصیت اول داستان در برابر صدای دیگر آن چنان که باید به گوش نمی رسد . وی حق انتخاب شوی و اظهار عقیده ندارد ، لیلی در این محیط سراسر خشم مجبور به تسليم در مقابل اوامر پدر و افراد قبیله و عزلت نشینی است . و در نهایت به او تهمت بی وفایی نیز می زند.

در عمد کم استوار باشد	زن گرنه یکی هزار باشد
بر نام زنان قلم شن کیستند	چون نقش وفا و عهد بستند
تلخ ز تو نیافت مهربانی	زن دوست بود ولی زمانی

(همان، 478: 18-20)

تأثیر استبداد جامعه در رفتار اعضای خانواده

به حقیقت استبداد خانواده و جامعه چنان انسان را به رذالت و پستی می کشاند که افراد پاک و صدیق را به موجودی فریبگر و ریاکار بدل می سازد . به عنوان مثال: در جامعه سراسر ظلم و ستم و به دور از عدالت فرزندان مورد تهدید و زور گنویی های پدر قرار می گیرند و نتیجه آن می شود که دخترک معصوم و صادقی چون لیلی به ریا کاری مبدل می گردد که در خانه شوی و در عشق مجنون می گرید و با دیدن ابن سلام اشکه ایش را به بهانه ای مالیدن چشم پاک می کند. در عزای شوهر از عشق مجنون ضجه می زند و به ظاهر نام ابن سلام می آورد و با تظاهری نادل پسند فریاد وا شوهرها سر می دهد (سیرجانی، 1388: 14).

به نظر می رسد این خفغان و استبداد از سوی خانواده چنان حیثیت زن جوان را در جامعه پر تعصب عرب به خطر می اندازد که بیشتر از گوشه چشم نگاه کردن طفل هفت ساله مایه ننگی بر جین خانواده می گردد . رفتار و سرانجام ابن سلام انعکاسی مستقیم از جامعه می استبد خود است به طوری که در شناخت راه نجات خود عاجز می ماند و توان همراه ساختن لیلی را ندارد و نه قادر به تغییر اندیشه است بالاخره در شکنیابی و رنج جان می بازد.

3-4- روابط همسر

روابط همسر در لیلی و مجنون نمودی ندارد ؛ گویی در بین زن و شوهر هیچ گونه مشورت و نظرخواهی در مورد فرزنه انجام نمی گیرد .

4- روابط خویشاوندان

روابط دیگر اعضای خانواده نمودی ندارد و از میان همهی خویشاوندان فقط دائی مجنون است که به عنوان چاره ، برای نجات مجنون به بیابان می رود اما نمی تواند در سرنوشت مجنون تأثیرگذار باشد.

نتیجه گیری

نظامی ، یکی از چهره های بر جسته‌ی ادبیات کلاسیک فارسی است که در آثار وی می توان ردپای مسائل خانوادگی را پی گرفت . او در آثار خویش از جمله لیلی و مجnoon ، عملاً پایه های سازه‌ی خانوادگی را مورد بررسی قرار می دهد . نگاه نظامی به اصل خانواده بر مبنای تشکیل خانواده است در جایی این تشکیل خانواده باید از صافی فرهنگ عرف و قبیله عبور کند.

البته نظامی این امر را در زندگی خود هم تجربه کرده است و با کنیزکی که به او داده‌اند ازدواج می‌کند و اساس خانواده را بنیان می‌نهاد هر چند این کنیزک یا (آفاق قیچاقی) عمر چندانی نمی‌کند و با بر جا گذاشتن فرزندی می-میرد اما نظامی همچنان پای بند خانواده است ، سنت و باور آن دوره ایجاب می‌کند که همواره کانون خانواده گرم بماند در نتیجه پس از مرگ همسر اول ، به ازدواج دوم تن می دهد وی در این ازدواج نیم نگاهی هم به سر پرستی فرزند دارد اما این همسر هم در خا نه نظامی چندان نمی‌پاید و در می‌گذرد . در نهایت به ازدواج سوم تن می دهد همه این موارد آن چه که از منظر این مقاله دارای اهمیت و قابل تأمل می‌باشد پای بندی نظامی به اصول خانواده و چهارچوب‌های قانونمند در این عصر است به عبارت دیگر نظامی چه در مسائل عملی و چه در مسائل نظری پای بندی خود را به خانواده نشان می‌دهد.

ماجرایی که نظامی به تصویر می‌کشد . ح-کنایت دخترکی است که به اندک ج-رمی ، ردای بی‌آبرویی را به دوش کوچکش می‌اندازند و وی منافقی می‌سازد با فرجامی ناخوش و درد افزا ! جامعه در لیلی و مجnoon تاریک ، خرافانی، استبداد زده و مختوم به خواسته های بزرگان قبیله‌ای است که خود قربانی نسل های قبل است . و در چنین اجتماعی زن جایگاهی ندارد و نقش خدماتی و وظیفه ای تداوم نسل و نگهداری از مایملک را بر عهده دارد کوچکترین اظهار نظری او را به میدان تقابل با قدرت مطلقه‌ی مرد می‌کشاند !

زنان خود نیز این باور کم اندیشی را به زنان نسل دیگر منتقل می‌سازند آنان بردگان کم بهایی هستند که طبیعت از جهت نسل برتر یعنی مرد به جامعه تحويل داده !

نظامی حکیم ، جانب انصاف را رعایت کرده مرد قدرتمند ، مرد کامل نیست پدر مجnoon که نقش برجسته‌ای در طایفه‌ی خویش ایفا می‌کند حتی در تربیت فرزند خویش نیز ناپخته می‌نماید و از رنجش فرزند عمامه از سر افکنده عجز خود را آشکار می‌نماید !

رابطه پدر فرزندی در لیلی و مجnoon نمودی آشکار دارد . ازدواج به شکل درون همسر و به انتخاب بزرگان قبیله صورت می‌گیرد . پدر به عنوان قدرت مطلق در خانواده نمود بیشتری دارد . رابطه‌ی مادر و فرزند بسیار کم رنگ است و مادر بیش تر نقش شنونده‌ای کم قدرت و ضعیفی را ایفا می‌کند که می‌شود تنها به او لقب سنگ صبور داد . خواهر و برادر در این منظمه نمودی ندارند و از میان خویش ساوندان فقط از دائمی مجnoon سخن به میان می‌آید که برای چاره‌گری به سوی بیابان ره سپار می‌شود . به طور کلی خانواده در لیلی و مجnoon خانواده ای مردسالار ، تک همسر ، گسترده و به دور از نقش همه‌ی اعضاء است.

احمدنژاد، کامل (1375)، تحلیل آثار نظامی گنجوی، چاپ دوم، تهران: پایا
انگلش، فردریک (1386)، منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، مترجم: خسرو پارسا، تهران: دیگر
بازورث؛ دارلی دران، دابلو، راجرز، کائن، لمبتوون، هیلنبراند (1380)، سلجوقیان، مترجم یعقوب آژند، تهران: مولی
براتی، محمد رضا (1389)، جادوی سخن، مشهد: آهنگ قلم
برناردز، جان (1388)، درآمدی به مطالعات جامعه، مترجم: حسین قاضیان، چاپ دوم، نی
ثروت، منصور (1370)، مجموعه مقالات فروع آزادی، داستان لیلی و مجنوون به نثری ساده، تبریز: شمس
ثروتیان (1386)، خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای، تهران: امیرکبیر

زرین کوب (1386)، پیرگنجه در جست‌وجوی ناکجا آباد، چاپ هفتم، تهران، سخن
ساروخانی، باقر (1389)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ دوازدهم، تهران: سروش
سگالین، مارتین (1388)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، چاپ پنجم، تهران: مرکز
وحید دستگردی، حسن، الف (1386)، کلیات، چاپ دوم، تهران: زوار